

1193

17299

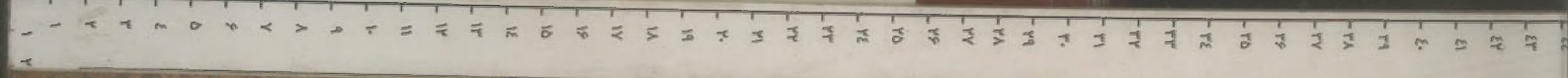
نسخه الاحرار

ناری

مجموعه

۹۷۲

بیان نفیس



۱۱۹۳

۱۱۹۳
۱۷۲۹۹

نسخه الاحرار

فارسی

جامع
نه

۹۷۲

بیارننه نفیس

۱۷۲۹۹



۱۱۹۳

کتابخانه
ایران
تاسیس شده در سال
۱۳۰۲

بازار

۱۱۹۳

۱۱۹۳
۱۷۲۹۹

تخفہ الاحرار

فارسی

عربی

۹۷۲

بیار تہ نفیس

۱
۱
۸
۸
۳
۹
۶
۸
۷
۶
۹
۱۱
۸۱
۸۱
۳۱
۹۱
۶۱
۸۱
۷۱
۶۱
۸۱
۸۸
۸۸
۳۸

تخفہ الاحرار

۱۷۲۹۹



۱۱۹۳

کتابخانه
تخفہ الاحرار
فارسی

۱۱۹۳

کتابخانه
الاصحاب
۹۷۲

۲۱۷۱

۱۱۴۴

سید

۱۷۲۹۵



۱۱۴۳

کتابخانه
الاصحاب
۹۷۲



ما در این جهان چنان کل عارف غزل سپار کمال و پند کل	
و اصف مطلع انوار جمال	ببینند سپار کاشتم
ایست انوار جلال	دور کاشتم
و پستان آن در کاشتم	و صیقلیست منظر جلال
برآوردن و نه در میانست نه و افشار نه در دست نه و آید	
عالمی قیام در عالم غیب	مدرارایان نه صدق و
سر کین بخت زنده و کشته	و ایشان ز دو کت کشته اند
اما بعد این صدف پاره چندانست و جوی کربابی سرکش	

که در کوه شد و درخت ریزند از رفت و دروب برنگاه
 شکسته جانی و نام آورده چندان دار و کوه پیکر جاسر
 شاهوار غزل لایزال یکم کاشی شمع خفا می شمشیر اند
 یاد جنت جام زنگار مطلع الانوار موردی این غنای مست و حلا
 این سپرد و دهنی شمشیر چنان در جودت الفاظ و سلاطین
 بهارات بشمار است نه صیقل با نغمه در میان و صاف
 اینجی در میان در وقت معانی و اشارت بر تیر کوه کویان
 عالم در معرض جرایب و معرفت بکلی اما اینده واری پست
 که چو این بین تمام از پستان یستی یستی پست پست
 و این پست تمام از خار پستان فرشی و زبر پستی و پست
 بکرمین تواضع نه نه نه خوری خوان کرام انخوان الصفا
 و نه نه کشای ببول شلان الوفا کرد و

بسم الله الرحمن الرحيم
فیض کرم خان نجیب اکبر
بکانب میرزا فتم سحر کار
پست سلمی سپه خوان کرم
پروردگار پستان کن اکبر
خوار پست کرم الله دست پای

می پان رشتین بستان
 صد که افاده و دیر دستان
 مثل که کشید و وار
 باغی می کشد ز شمار
 آنکه میوم میاز بخیر است
 غایت از کار بخیر است
 عزیز اول و اکلاست
 بردان حق تو که است
 مرید کند که کرد
 سپید بود نظام وجود
 غرض فرود چسب غایبان
 خزان که است ز آیدگان
 شمع زو شب افغان
 شمع کن قد بافت قدم
 پیش پر و از شب کف قدم
 در ز رنده شب بافت
 واجب بر یک سو و دست
 دایره ساز سراغ آب
 عیب نماند از سر و دل
 تیر که در زو و آب
 خدایند و خدا روان
 قبله سر کعبه و دست
 خدایند و خدا روان

آب زینا شوی چو سیل	آب دود و دشت نمایی سل
پیشکش خاندان سپهر	خاکش آینه تصحیر
میتل صاف غیر لایک	صیرفی کج پذیرایک
اینجوقت مر سبک کان	روشنی حال ششایک کان
تازو کن بن پریم حیات	کاریم کار کرکایات
پاست منو ششم از کانی	شمار این قرمش بنون
سقط خست از ز قمار	تعبش روان بجزو نهاد
باز اینانی سوسه برید	پزایشانی رقص برتری
بیت نشان فی سوشی	دانشان آب و گل آید
بدر این بنر بایه	اکثر حجب طوطی غلاس
نشد و اقمرد و ام شب	سک بریان حد و دجاست
سقط و دیم نکلف لاورد	سکریکی نطفه سیر کرد

آب زینا شوی چو سیل	آب دود و دشت نمایی سل
پیشکش خاندان سپهر	خاکش آینه تصحیر
میتل صاف غیر لایک	صیرفی کج پذیرایک
اینجوقت مر سبک کان	روشنی حال ششایک کان
تازو کن بن پریم حیات	کاریم کار کرکایات
پاست منو ششم از کانی	شمار این قرمش بنون
سقط خست از ز قمار	تعبش روان بجزو نهاد
باز اینانی سوسه برید	پزایشانی رقص برتری
بیت نشان فی سوشی	دانشان آب و گل آید
بدر این بنر بایه	اکثر حجب طوطی غلاس
نشد و اقمرد و ام شب	سک بریان حد و دجاست
سقط و دیم نکلف لاورد	سکریکی نطفه سیر کرد

بهر تپش تو باقی پر آب

شکسته لب را و ایکه لعل آب



ای علم پستی با تو رست	نیت خود پست بومر پست
ذات تو هم پستی هم پست کن	نیت کن عالم نوی و کهن
پست تو بی پستی طلوعی	پست کس پستی و دلتی روی
سر پستی پستی باری جان	باشد شایسته پستی نیا
چرخ نه خلیج کین پستی است	بر حد کین آتش در پستی است
آدم و شایسته و در شایسته	میکنی بری بر سر آدم و شایسته
پست و بلند از کبر است بر بند	با تو کی نیت پست و فند
با هم چون بر آینه پاک	پاک ز لایش پاک و پاک
چشم مشرب ز جال تو کوهر	عقل مننه و کمال تو کوهر

ناتوانی چه شایسته

پای ز موی نه بخت

ناتوانی چه شایسته

رفت بمورده و در کل بانه

ای تو بمورده و در کل بانه

پو و تو هم بی جسم با هم

ناتوانی چه شایسته

چون نیت تمام و نیت

پست ز شایسته و شایسته

نیت باری نیت شایسته

ناتوانی چه شایسته

بر عیسی و کماریت فی

نیت کماریت و بی صده

کمرت با موج فیه بر کمار

ناتوانی چه شایسته

هر خود و بر خود و هزاران خود

ناتوانی چه شایسته

رو می و آینه طلعت نمود

ناتوانی چه شایسته

ذات ز کرا و صوره ز و آ

ناتوانی چه شایسته

ز و فانی و غنم از آدم است

ناتوانی چه شایسته

نیت ز غفر و نشان غیر نام

کریمه زینب علیها السلام	نیت دین عرصه یک عمر
یکت به پنداری تو در جهان	هزار پنداری شیشه نمان
توسه به جان خدای جان	میزنم از طبلت و سپای
چون تم از پای مرا بپسند	انت نصیری و ایکه نصیر

مناسبات

ای زود جو و تو غمخوار	جو تو سر مار تو دوس
بهر نوبی و کن با تو می	پست کن نیت کن با تو می
کار کار اندید کج کار	ز آتش لا سوت و لا آله
نیت زلف محض الا ترا	کلمه تبارک و تعالی ترا
فیض نجات چو پای رسد	کس شمسای تو کی رسد
و نه ان دایره منزل و به	نیت پس نشود و خبر به صد

از دم انوار قدم با کعبه	وزر تم قن قلم با کعبه
سبحه کل انکف و جانان	ز من کل نصرت نور انان
از سر کپی بکن عرش را	نوان پی کوی پیشش را
یا کوی زمین بر سر و	سکر دلت پیشش کبر و
ز زود کعبه خدایان	کمد و سقا و ر و هم در شکن
منطقه بکشت زمین خاک	تیر پیکان ز کمان خاک
باز شمشاد شیر یا جسم	ساز جد امکر جوار جسم
کا و جب انور و دان منور	شیر جان جوار فار اسپار
ملک کن از دایره اهل شمشاد	پاز پی را دغا را تو شمشاد
بیخ فاصه کز زینبش است	آب کو از دهم او گل است
ست کلی رسته درویشین	خبر او بکن جبرین برین
بر سرین باغ را غنیمت کک	در هم در بریم شمشاد کک

در روز شنبه	در روز شنبه
در روز شنبه	در روز شنبه
در روز شنبه	در روز شنبه

[illegible]

مستقل

تقریب شرف کلمات
چشمه ای از عذوقم
حکایت به رنگ بار
طالع بدایین جویست
قدوسیت و نورانیت
گروه و خواندگ سپهر
نورانی سیع مانده ام
بره و طالع از دست
سپهریست به چشمه
برافراختن زینت و نور
مست از سحر و فکر
برایان شاد و پادشاهان قیام

[illegible][illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

مکتبہ اسلامیہ

[illegible][illegible]

[illegible][illegible]

مهر آید و سینه پست	بهری که گزیند از این پست
آینه را در برشتی که	کی رسد از لاله و کوه پست
مهر را می پست با گداز	هر چه آید از قمار و بازی
زهر و سحر و جادو و جفت	آینه را که از لاله و کوه پست
پیکر و جسم کی بسیم	طایفه که در دهر پست
خوار پست که در دهر	و از هر پست که در دهر
خوار گشت و سحر و جادو	یک ز کلاه و کلاه پست
قوت که در دهر و کلاه	از پست که در دهر و کلاه
نی از لاله و کوه پست	ز کوه و از لاله و کوه پست
باز از پست و قمار و جادو	کلیه زهر و دهر و کوه پست
شاه و شاه و جادو و کلاه	پست که در دهر و کلاه
زهر و کلاه و کلاه و کلاه	نوبه و کلاه و کلاه و کلاه

ناله که از لاله و کوه پست	بن سحر و جادو و کلاه
دل با شکر و کلاه پست	دو لاله و کلاه پست
کلاه پست که در دهر	باز شکر و کلاه پست
آینه را که از لاله و کوه پست	ناله و کلاه و کلاه پست
و از هر پست که در دهر	ناله و کلاه و کلاه پست
و از هر پست که در دهر	آینه را که از لاله و کوه پست

بگفت زهر و کلاه پست

ناله و کلاه و کلاه پست	ناله و کلاه و کلاه پست
ناله و کلاه و کلاه پست	ناله و کلاه و کلاه پست
ناله و کلاه و کلاه پست	ناله و کلاه و کلاه پست
ناله و کلاه و کلاه پست	ناله و کلاه و کلاه پست

مهر و خورشید	خورشید و مهر
خورشید و مهر	مهر و خورشید
خورشید و مهر	مهر و خورشید
خورشید و مهر	مهر و خورشید
خورشید و مهر	مهر و خورشید
<div> <div></div> <div>خورشید و مهر</div> <div></div> </div>	
خورشید و مهر	مهر و خورشید
خورشید و مهر	مهر و خورشید
خورشید و مهر	مهر و خورشید
خورشید و مهر	مهر و خورشید
خورشید و مهر	مهر و خورشید

خورشید و مهر	مهر و خورشید
خورشید و مهر	مهر و خورشید
خورشید و مهر	مهر و خورشید
خورشید و مهر	مهر و خورشید
خورشید و مهر	مهر و خورشید
<div> <div></div> <div>خورشید و مهر</div> <div></div> </div>	
خورشید و مهر	مهر و خورشید
خورشید و مهر	مهر و خورشید
خورشید و مهر	مهر و خورشید
خورشید و مهر	مهر و خورشید
خورشید و مهر	مهر و خورشید

دو کوفه آید	دو کوفه آید
کوک کوفه کوفه	کوک کوفه کوفه
	
دو کوفه آید	دو کوفه آید
کوک کوفه کوفه	کوک کوفه کوفه
دو کوفه آید	دو کوفه آید
کوک کوفه کوفه	کوک کوفه کوفه
دو کوفه آید	دو کوفه آید
کوک کوفه کوفه	کوک کوفه کوفه
دو کوفه آید	دو کوفه آید
کوک کوفه کوفه	کوک کوفه کوفه

دو کوفه آید	دو کوفه آید
کوک کوفه کوفه	کوک کوفه کوفه
دو کوفه آید	دو کوفه آید
کوک کوفه کوفه	کوک کوفه کوفه
دو کوفه آید	دو کوفه آید
کوک کوفه کوفه	کوک کوفه کوفه
دو کوفه آید	دو کوفه آید
کوک کوفه کوفه	کوک کوفه کوفه
دو کوفه آید	دو کوفه آید
کوک کوفه کوفه	کوک کوفه کوفه

میشود در سینه	در سینه هر که است
کینه در دهان	در دهان هر که است
در سینه در دهان	در دهان هر که است
در سینه در دهان	در دهان هر که است
در سینه در دهان	در دهان هر که است
در سینه در دهان	در دهان هر که است
در سینه در دهان	در دهان هر که است
در سینه در دهان	در دهان هر که است
در سینه در دهان	در دهان هر که است
در سینه در دهان	در دهان هر که است
در سینه در دهان	در دهان هر که است

در سینه در دهان	در دهان هر که است
در سینه در دهان	در دهان هر که است
در سینه در دهان	در دهان هر که است
در سینه در دهان	در دهان هر که است
در سینه در دهان	در دهان هر که است
در سینه در دهان	در دهان هر که است
در سینه در دهان	در دهان هر که است
در سینه در دهان	در دهان هر که است
در سینه در دهان	در دهان هر که است
در سینه در دهان	در دهان هر که است
در سینه در دهان	در دهان هر که است



Handwritten manuscript page showing two columns of text in Arabic script.



و من هم در دست
ایشان نام علی است
و در دست محمد است
دری، ایشان که اول
بودند و آنکه گشتند
و از دست شریعی
روای بود و آنکه گشتند

و من هم در دست
ایشان نام علی است
و در دست محمد است
دری، ایشان که اول
بودند و آنکه گشتند
و از دست شریعی
روای بود و آنکه گشتند

۱۰۰۱۶ استند
چهارم اسباب که چه

که چه نیست مگر از حیث مال
فصل ترقی و نیکی که چه

[illegible]

۱۰۰ -

حضرت مولانا محمد رفیع

ایک روز میں ایک شخص نے

کتابخانه

دریاسفندی

پیشہ و شہریت

...مگر یہ کہ ہی میں تھا

دوم کہ اگر کسی نے یہ دعا

چونکہ وہ ایک ایسی ہی اداکارہ تھیں

کتابخانه کتب خطی

22

1990

207

...

...

10

10

خط وی از خط و اشق و حزن
حزن خط و طبع از بر اصطلا ح

Two pages from a manuscript, likely a Qur'an, featuring elaborate geometric and floral patterns in the margins and central text in Arabic script. The patterns include interlocking lines and floral motifs in blue, red, and gold.

دینکوش و قایم ویران کر
کروان از آنست که بستاند

که از نوبت برنج غم خال است
بس که مرید را قفس میبست
که شود سیم پرست
خدا می بخاک نوبه صفت

فصل بیستم در بیان حکایت دوم
شکر که این شصت و پانزدهمین
سکرتبار این حکایت دوم
بخیه این حرفت در بیان

مردنه خاتمه این خطاب
شده قسم خاتم تم کتب

تتم الكتاب به
في شهر رمضان

کتابخانه
مجلس شورای اسلامی

۱۲۲۹۹
تت زنه



۱۱۹۱۲

۶۶



